



خط پایان یک زندگی! چه زمانی به دادخواست طلاق فکر کنیم؟

«ما زندگی مان را با عشق شروع کردیم؛ پس چرا به اینجا رسیدیم؟» این سوال بیشتر افرادی است که در راهروهای دادسرا یا دفاتر ثبت طلاق سرگردانند؛ در حالی که چندی پیش با شوق فراوان به دنبال کارهای عروسی شان بودند، امروز دیگر نمی خواهند به این زندگی ادامه دهند. حال چرا این اتفاق رخ می دهد؟

«ما زندگی مان را با عشق شروع کردیم؛ پس چرا به اینجا رسیدیم؟» این سوال بیشتر افرادی است که در راهروهای دادسرا یا دفاتر ثبت طلاق سرگردانند؛ در حالی که چندی پیش با شوق فراوان به دنبال کارهای عروسی شان بودند، امروز دیگر نمی خواهند به این زندگی ادامه دهند. حال چرا این اتفاق رخ می دهد؟

طلاق و دلایل متعدد آن

به گزارش سلامت نیوز به نقل از تبیان، طبق آخرین آمار در سال 92 در کشور ما تعداد 757 هزار و 197 ازدواج در دفاتر ازدواج به ثبت رسید که این رقم در مقایسه با سال گذشته 4.4 درصد کاهش داشته است؛ همچنین در همان سال 158 هزار و 753 مورد طلاق در دفاتر کشور ثبت شد که در مقایسه با سال قبل 4.6 درصد افزایش داشت. اما سوال اینجاست که چه شده است که در کشور ما علی رغم تبلیغات فراوان و تشویق جوان ها به ازدواج می بینیم تعداد ازدواج ها کاهش و تعداد طلاق ها افزایش یافته است. به ندرت پیش می آید که ازدواج يك شبه نابود شود. در بیشتر مواقع این فرآیند به تدریج و در طول زمان اتفاق می افتد؛ بنابراین وقتی مشکلی بین شما و همسران پیش می آید بهترین کار این است که قبل از وخیم شدن اوضاع نسبت به موضوع واکنش نشان دهید. این بحران را حل و فصل کنید. می توانید با یکدیگر حرف بزنید و برای مشکل تان راه حلی بیابید و با کمک مشاور روی خودتان کار کنید.

طلاق به ذات اتفاق ناخوشایندی است اما وقتی همه چیز به بن بست رسید و دیگر راهی برای ادامه وجود نداشت باید به طلاق فکر کرد؛ اما طلاقی که کمترین آسیب را داشته باشد.

طلاق دلایل متعددی دارد که مهم ترین آن ها از این قرار است:

- عده ای ازدواج می کنند چون می خواهند از طریق ازدواج مشکلات شان را برطرف کرده یا به نوعی از مشکلات خانه پدری خود فرار کنند. این افراد بی توجه و بی فکر ازدواج می کنند و تلاشی برای شناخت طرف مقابلشان نمی کنند؛ بنابراین اندکی پس از ازدواج متوجه انتخاب ناآگاهانه خود می شوند و نمی توانند با او ادامه دهند.
- دلیل دیگر، از بین رفتن شور و حال همسر است. وقتی فردی عاشق شور و نشاط و انرژی همسرش باشد و ببیند در سن بالا همسرش دیگر انرژی سابق را ندارد، از زندگی دلسرد می شود و حتی کار به طلاق می کشد.
- برخی هم به دلیل ادا نکردن مسئولیت های ازدواج و وظایف همسری به طلاق می رسند. - در برخی دیگر از زندگی ها دخالت خانواده ها، به خصوص پدر و مادر زوجین، کار را به جدایی می کشاند. - برخی دیگر از طلاق ها به دلیل بی وفایی یکی از طرفین صورت می گیرد.
- برخی پرخاش فیزیکی زیادی دارند. و در رابطه دیگران را مورد خشونت قرار می دهند. عده ای مورد خشونت قرار گرفتن را عامل طلاق می دانند.
- عده ای از افراد ازدواج می کنند تا نیازهای مالی شان را برطرف کنند، به خاطر سوءاستفاده مالی که سالها از آنها شده است، طلاق می گیرند.
- اعتیاد، به خصوص اعتیاد مرد، یکی دیگر از دلایل رایج طلاق است که زن ناچار می شود کار کند و خرج مواد همسرش را بدهد و چیزی که او را بیشتر نگران می کند این است که مبدا اعتیاد پدر به فرزندان نیز منتقل شود و فرزندان از پدرشان بیاموزند. کسی که در حد اعتیاد این مواد را مصرف می کند، برای رابطه مناسب نیست.
- ممکن است این افراد در اوج مصرف با شما خوب و احساسی رفتار کنند، اما به اصطلاح وقت خماری شما روی دیگر سکه را خواهید دید. به این فکر هم نباشید که رابطه می تواند آن ها را نجات دهد.
- فساد اخلاقی یک یا هر دو طرف؛ چون ازدواج یک گره را از هم باز می کند.

چه زمانی به دادخواست طلاق فکر کنیم؟

زمانی زوجین نباید زندگی مشترک شان را ادامه بدهند که عوامل مفسده در زندگی بیش از حد باشند و ادامه این زندگی برای آن ها خطر و ضرری به دنبال داشته باشد. اما رسیدن به این نتیجه چیزی نیست که دو طرف به سادگی بتوانند به آن برسند. اینکه آیا ادامه این زندگی برای یک یا هر دو نفر خطرناک است یا نه، نیاز به مشاوره و دریافت راهنمایی از متخصصان و حتی بزرگان فامیل و والدین زوجین دارد.

- گاهی یکی از زوجین منبع درآمد درستی ندارد؛ مثلا دزد است یا منبع درآمد درستی ندارد و به هیچ وجه حاضر به ترک این کار نیست.

وقتی فردی عاشق شور و نشاط و انرژی همسرش باشد و ببیند در سن بالا همسرش دیگر انرژی سابق را ندارد، از زندگی دلسرد می شود و حتی کار به طلاق می کشد در چنین مواردی مشخص است که زندگی آینده روشنی ندارد

گاهی ادامه زندگی برای فرزندان خطرناک است اما اینکه یکی از همسران خیلی زود از کوره در می رود و عصبانی می شود و یا اینکه بیماری خاصی دارد، از جمله مسائلی هستند که تنها با مشاوره های تخصصی می توان در مورد آن به نتیجه قطعی رسید. به طور کلی زمانی به زوجین پیشنهاد طلاق داده می شود که ضرر با هم نبودنشان، کمتر از با هم بودنشان باشد.

طلاق خوب و بد

به باور برخی طلاق هم خوب است و هم بد. هر چند طلاق به ذات اتفاق ناخوشایندی است اما وقتی همه چیز به بن بست رسید و دیگر راهی برای ادامه وجود نداشت باید به طلاق فکر کرد؛ اما طلاقی که کمترین آسیب را داشته باشد. اما گاهی برخی طلاق ها مثل آنچه در خبرها خواندیم هزینه و آسیب های زیادی دارد و هولناک است. حالا سوال اینجاست که چه باید کرد که سرنوشت هولناک این زوج برای سائیرین تکرار نشود؟

چنین افرادی اگر تحت آموزش های لازم قرار بگیرند هیچ وقت دست به چنین اقدامات هولناکی نمی زنند یا دست کم احتمال وقوع آن کمتر می شود. حال که شما مجبور شده اید، بین ماندن و رفتن، جدایی را انتخاب کنید و این فکرها مدام در سرتان می چرخد: «آیا قرار زندگی همین بود که تلاش کنم و زندگی را به جایی برسانم و بعد طلاق بگیرم و همه چیز تمام شود؟»، یادتان باشد اینجا نقطه پایان زندگی نیست. در مقاله بعد راهکارهایی را ارائه می دهیم تا بعد از طلاق بتوانید این درد را تحمل کنید و زندگی معنایش را از دست ندهد.

منابع: همشهری، موفقیت، مهر